

### متن پرسش

اگر توحید افعالی بیان می‌کند که هر چیز من جمله افکار و اندیشه‌ها و وقوع پدیده‌های طبیعی از جانب خداوند است، ستارگان بدون اذن او برافروخته نمی‌شوند. قلب بی‌اذن او خون به بدن پمپ نمی‌کند و خلاصه کوچکترین حرکتی نیست که بی‌اذنش صورت گیرد. حتی این پرسش نامه که در حال نوشتن آن محضر شما هستم همه دلیل آن ذات اقدس و اعظم و رب العالمین است، پس لزوم فرستادن احکام و شرع چیست؟ در حالی که او خود می‌تواند هدایت کند یا گمراه؟ ممکن است بگویید احکام و شرع وسیله است برای ایجاد و وقوع این سنت اما حال چه نیاز زمانی که کسی قصد دارد به ما زبانی برساند آن را از خود دفع کنیم مگر نه اینکه همه از جانب اوست؟ یا دشمنی که قصد جانمان را دارد مگر نه اینکه قصد او قصد خدا، شمشیر او شمشیر خدا و حرکت دست او به اختیار باری تعالی می‌باشد؟ فراتر از همه آنها اگر همه چیز از جانب اوست پس دیگر گناه کار و درستکاری معنایی ندارد زیرا آن وجودی که وجودش از رب العالمین است به اذن خدا گناهکار می‌شود و عذاب می‌کشد پس تفاوت او با آن بهشتی چیست؟ چرا خداوند برای یکی عاقبت بد و برای دیگری سعادت می‌خواهد؟ یا چه نیاز زمانی که به گناهی مبتلا شده گریه و زاری و استغفار کرده در حالی که خود خداوند موجب به فعلیت رسیدن این گناه بوده؟ با همه اینها می‌دانم حقی است که بدان آگه نیستیم، و ذهنی دارم که بدون لطف خدا هیچ مفهومی را درک نخواهد کرد بنابراین از شما خواستارم که ان شاءالله موجب گشوده شدن باب فهم من باشید.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم. به این نکته فکر کنید که حضرت حق خواست خود را در آینه‌ی مخلوقات بچشد به همان معنایی که فرمود: «كُنْتُ كَنْزًا مَخْفِيًا فَاحْبَبْتُ أَنْ أُعْرَفَ فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِأُعْرَفَ». لذا خداوند خود را در عبد دیدن و عبد، خدا را در خود یافتن، امری است که انسان در آن صورت از آن خدا می‌شود و اگر عبد با عصیان خود مانع تجلیات الهی در افکار و اعمالش شود، عملاً از خدا دور می‌افتد و جهنم یعنی همین. شریعت، راهی است جهت تحقق عبودیت تا موانع تجلی انوار الهی کنار رود و لذا نباید بین تکوین و تشریح خلط شود. موفق باشید